

# نسبت زیبایی و خرد، هستی‌شناسی افلاطون

حسین غفاری<sup>۱</sup>، بهناز پروین<sup>۲</sup>

## چکیده

بنابر تفاسیر گوناگون، نسبت میان خیر و زیبایی در اندیشه افلاطون در طیفی میان تساوی و تغایر نوسان دارد و هرکدام از این تفاسیر سرنوشت متفاوتی را برای زیباشناسی و اخلاق افلاطونی و نسبت آنها با مابعدالطبیعه او رقم میزند. بسیاری از مفسران، حقیقت و خیر در نظر افلاطون را یکی میدانند، در حالی که نسبت زیبایی و خیر دقیقاً روشن نیست. با بررسی ویژگیهای هریک از این دو در محاورات مختلف و زمینه‌ها و دلایل توصیف این رابطه از زبان خود افلاطون، میتوان علاوه بر یافتن این نسبت، حدود زیباشناسی افلاطونی را ترسیم نمود و به جایگاه زیبایی بمثابه حقیقت وجود در هستی‌شناسی افلاطون پی‌برد. در این جستار براساس روش تجویزی افلاطون در نامه هفتم برای معرفت نسبت به هر موضوع، به رابطه زیبایی با مفاهیم مترادفش یعنی لذت، هماهنگی، تناسب، نظم و وحدت میپردازیم و میکوشیم با پاسخگویی به دلایل مغایرت خیر و زیبایی نشان دهیم که سایر تعاریف و معانی زیبایی به وحدت تأویل‌پذیرند و حقیقت زیبایی همان خیر بمثابه وحدت است. در نتیجه، زیبایی علت وجود و غایت همه چیز است و بر این اساس، اخلاق و زیباشناسی دو وجه هستی‌شناسی واحد افلاطون محسوب میشوند.

۱. استاد گروه فلسفه دانشگاه تهران؛ hghafari@ut.ac.ir

۲. دکترای فلسفه غرب دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ parvin.bz@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۶ تاریخ تأیید: ۹۵/۶/۲



کلیدواژه‌ها: خیر، زیبایی، وحدت، وجود، هستی‌شناسی، زیبایی‌شناسی

\* \* \*

## ۱. مقدمه

امروزه جدایی خیر و زیبایی در مفهوم و مصداق مسلّم فرض میشود:

... در عین حال که حقیقت، خیر و زیبایی در سنت فکری غرب مرتبط با هم مورد بحث قرار میگیرند، هریک از آنها به سطح خاصی از وجود تعلق مییابند. ... صدق به فکر و منطق، خیر به فعل و اخلاق و زیبا به لذت و زیباشناسی. زیبایی اغلب به نظرات و سلايق افراد نسبت داده شده و خیر و صدق را به واقعیت خارجی مربوط دانسته‌اند.<sup>(۱)</sup>

این جداسازی نه تنها بر اندیشه یونان باستان قابل انطباق نیست، بلکه درست در مقابل آن است. افلاطون به دفعات، خیر و زیبایی را به یک معنا و بدل از هم بکار برده است؛ تا جایی که بعضی متفکران میگویند: «زیبا و خیر همواره یا در عمل، چیزی جز دو نام برای یک چیز نیستند.»<sup>(۲)</sup> و یا «اگر خیر همان زیبایی نباشد، به آن نزدیک است.»<sup>(۳)</sup> بعضی دیگر به تغایر خیر و زیبایی نظر دارند: «زیبا کیفیتی است که خیر از طریق آن میدرخشد و خود را نشان میدهد. زیبایی بالذات فراروی بسمت خود خیر است. ولی چنین توصیف شده که ما را شیفته خیر میسازد.»<sup>(۴)</sup> اما در این دعاوی، به همه دلایل له و علیه مدعی اشاره نشده است. از آنجا که نسبت خیر و حقیقت در فلسفه افلاطون روشتر است و خود وی به تساوی این دو تصریح کرده، در جستار حاضر به بررسی این نسبت نمیپردازیم، بلکه بدلیل ابهام نسبت زیبایی و خیر، بخصوص در آراء مفسران زیباشناسی افلاطون، ابتدا با ابتناء بر روش و متن آثار افلاطون، به چیستی زیبایی و خیر و سپس دلایل دوگانگی و وحدتشان و سرانجام نتایج این تساوی میپردازیم.

## ۲. چیستی زیبایی

شناخت هر چیز از نظر افلاطون پنج مرحله دارد که عبارتند از: «اول نام، دوم تعریف، سوم تصویر، چهارم خود دانش و پنجم خود آن چیز»<sup>(۵)</sup> پس از اشاره‌یی به

